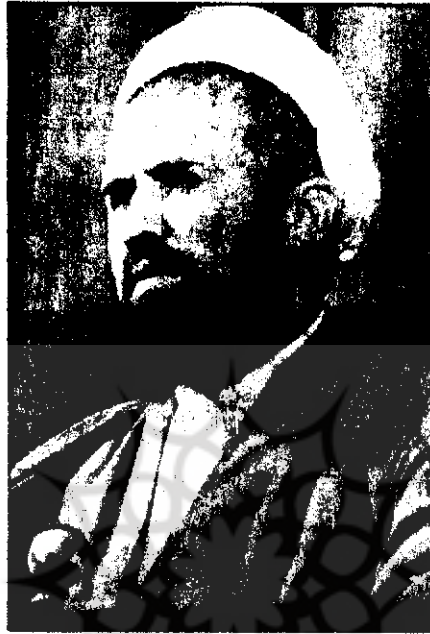


# چه کنیم تا «عمل زده» نشویم

قسمت سوم



میدهد ناظری نمی بیند بی حوصله میشود چون دلش مسلمان نشده است. پس چه کنیم که وقتی کار اجرایی میکنیم (البته) نشویم، دلمان نمیرود؟ دیشب به بچه های سپاه می گفتم: شما میروید با کفار می جنگید و آدم می کشید ممکن است روز اول هم دلتان نیاید آدم بکشید و وقت کشتن تردید به دل راه دهید، یکی دوبار که ماشه را کشیدید و مغز طرف را متلاطمی شده مشاهده کردید برای شما مسئله عانی میشود. دوتا راه تا راه سی تا راه، که کشتی این خطر برایت میماند که دلت یک مقدار قسی بشود لذا باید برای تعادل و تلطیف، دعا کنی، گریه کنی، شیرازیهای ما میگویند: توت صفرا دارد، کسی که توت بخورد برصفرایش غلبه پیدا میکند یا سکنجین صفرا براست. صفرا را کم میکند یا مثلا در روایات داریم که اگر بنیر میخورید با گردو بخورید که گردو کمبوههای ویتامینی را که در بنیر است رفع میکند و قدری از نظر غذایی تعدیل می کند. لذا چون کشتن یک مقدار دل را سخت می کند و اشک ریختن دل را نرم می کند و این یک تعدیل و اعتدال است که باید برقرار باشد. علی (ع) را ببینید روز آنطور می کشد و شب نیز آنچنان گریه می کند و اگر ما فقط کشتن را ببینیم و گریه را نبینیم چیزی غیر واقع از آن درمی آید. بطوریکه از یک پاسدار، رستم دستان درست می شود پاسدار خواسته است علی گونه شود. سر از تهمت درآورده است. او آمده است درسپاه «علوی» شده بیرو اشکیوس و نادرشاه افشار می شود و اگر خون ریختن، اشک ریختن هم بهمره داشت ساخته شدن است. درجلسه سپاه پیشنهاد کردم که مرثیه اباعبدالله را بیتتان رایج کنید ذکر مصائب اباعبدالله الحسین اعتدالی در نفس شما بوجود می آورد که صدامی بکشید. اینهم ضعف نیست دیگر کسی به تو نمی گوید امت گریه، چون این توشی که روز آتش حربه هایت رعب در دل دشمن می افکند و این وصله

مقدمه:  
در شماره های پیش بخشهایی از سخنان حجت الاسلام حائری شیرازی را که درباره رابطه جهاد با خودسازی در جهاد خوزستان، ایراد شده بود، در اختیار خوانندگان عزیز قرار دادیم. و در آن شماره ها ملاحظه نمودیم: اولاً: اساس انقلاب انبیاء، انقلاب فرهنگی است و ثانیاً: این مسئله از درون انسان و از ایجاد حکومت اسلامی در درون انسانها، بدست می آید. اکنون دنباله مطلب از نظر خوانندگان عزیز می گذرد.

کفتار من تا به اینجا مقدمه بود برای شما ها عزیزان جهادسازندگی که چگونه کار کنید و کار زده نشوید، چگونه کار کنید که خودتان را فراموش

گریه بیاد بنده می آورد که عبداست و مخلوق است و از خود هیچ ندارد و به قدرت خدا وابسته است

اگر هر کاری را کرده اند اما  
خودتان را نساختمان افکار  
هیچ کاری نکرده اید، تفاوت  
هم ندارد اگر هالترین کارها  
و سخت ترین کارها را بکنید  
اما در خودتان حکومت  
ایستادگی کنید تا...

نکنید چرا چون اگر هر کاری را کردید اما خودتان را نساختمان افکار هیچکاری نکرده اید تفاوت هم ندارد اگر عالیترین کارها و سخت ترین کارها را بکنید اما در خودتان «حکومت اسلامی» را پیاده نکنید یا انقلاب اسلامی اجنبی هستید. دستتان که میخواهد کار انجام دهد باید الهام گرفته از قلبتان باشد. ابتدا قلب شما باید مسلمان باشد تا دستتان نیز عمل اسلامی انجام دهد. اگر قلب مسلمان نشده باشد، دست هر کاری را انجام دهد، اسلامی نیست چون انسان وقتی قلبش مسلمان نیست، حوصله عمل خالص پیدا نمی کند. بعکس هر وقت عمل برایش ریا است، کار انجام میدهد. هر وقت در کاری که انجام

انقلاب فرهنگی است که باعث می شود انقلاب اقتصادی صورت بگیرد اگر در مملکتی انقلاب فرهنگی صورت گرفت ناشی از انقلاب پایداری کنند.



طفل نحوه تغذیه در استخوان بندی تاثیر می گذارد. و این انقلاب فرهنگی است که باعث می شود انقلاب اقتصادی صورت بگیرد اگر در مملکتی انقلاب فرهنگی صورت گرفت مردم می توانند در برابر مشکلات اقتصادی ناشی از انقلاب پایداری کنند. در پی انقلاب فرهنگی است که اقتصاد مملکت تغییر می کند. تغذیه انسانی عوض می شود و غذای سالمتر می خوردند. آنمه ما وقتی صاحب قدرت می شوند آنها اینجوری نیستند، آنها کم می خوردند منتهی این مخصوص هیت حاکمه شان است. امام صادق (ع) با اسحق بن عمار غذا می خوردند، یک غذای ساده مثل آبگوشت پادش آمد آن غذاهای رنگارنگ خلفا را و بعد به اسحق گفت «ما کان لنا الا اکل البجسه» آن روزی که ما به حکومت برسیم این آبگوشت هم نیست، لباس ما بسیار خشن و خوراک ما بسیار خشک خواهد بود. پس خلیفه با امام این فرق را می کند همینطور شما می گویند ما کار می کنیم المانی هم کار می کند، ژاپنی هم کار می کند و مملکتش را می سازد اما ما باید ابتدا خودمان را بسازیم تا فرقی با المانی یا ژاپنی داشته باشیم. ان المانی یا ژاپنی نحوه کار کردنش «کالانعام» است دقیقاً برای حقوق و مزایا کار می کند و لاغیر. هیچ چیز دیگری بجز مسائل مادی و رفاهی برای او مطرح نیست. کار می کند که شب غذا بخورد باید خانه، مرتب از خودش پذیرایی کند، برود بازار و بهترین میوه ها و چیزهایی که کسانی دیگر از آنها هنوز نخورده اند بگیرد و بخورد (.....) وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَسْتَعْتُونَ وَ يَا كُفْرًا كَمَا تَأْكُلُ الْآنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ (۱) می خوردند انگار اسب است که می خورد اما شما اینجور نیستید کار که می کنید مقدمه ای است برای خودسازی.

چه کنیم که وقتی کار اجرایی می کنیم «الینه» نشویم و دلمان نمیرد؟!



ناچسب است. و لذا اسلام هم امت خون است، هم امت گریه «اناقبیل الابر» من کشته شده اشکم یعنی خون و اشک با من توأم است.

اشک انقلاب فرهنگی است. گریه انقلاب فرهنگی است

گریه بیاد بنده می آورد که «عبد» است و مخلوق است و از خود هیچ ندارد و به قدرت خدا وابسته است. لذا این انسان اگر در برابر دشمن خدا قدرت نمائی بکند در مقابل باید در برابر خدا تضرع و زاری بکند و انسان منتهای تضرعش در مقابل خدا، می شود یک جانور. شما بچه های جهادگر مگر کارگرید؟ مگر عمله اید؟ نه این اثر اشک است که کار شما را پیش می برد و گرنه یک کارگر آلمانی خیلی بیشتر از شما می تواند کار بکند چون او در یک وعده غذای نهارش به اندازه یک هفته مصرف یک ایرانی گوشت تغذیه می کند. لذا از صبح تا شب ۱۸ ساعت کار می کند. خسته هم نمی شود او به بچه هایش عادت داده است که از کوچکی به جای آب شیر بخورد بچه های ایرانی هم آبش بزور گیرشان می آید.

پس شما اصلاً آن انرژی لازم به اندازه کاری که می کنید بواسطه سوء تغذیه و کمبودها، در بدنتان نیست. مسلماً این مسائل تاثیر می گذارد در بنیه

۱- سوره محمد آیه ۱۲: و انانکه براه کفر شناختند به تمتع و شهوت رانی و شکم پرستی مانند حیوانات، پرداختند. عاقبت منزل آنها آتش دوزخ خواهد بود. ادامه دارد